



Concealing Offences in the Light of the Penal System of Iran, Lebanon and Syria

Davud Seifi Qara Yataq¹

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Zabol University, Iran, Zabol

Ghasem Islami Nia²

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Zabol University, Iran, Zabol

Abstract

"If you see something, report it." This is a common phrase in many announcements around the world that are run by authorities and police to encourage the public to report suspicious activity to law enforcement agencies; but this question comes from a legal point of view that is the general public obligated to report a definite offence in the case of witnessing it? if they remain indifferent and do nothing, will they be punished? In response to this question, the approach of the countries is different. Some penal systems consider indifference in observing an offence and reporting it as deserving of punishment in limited cases, such as Iranian system, where the constituent elements of the offence of concealing offences are the type of omission and the perpetrator must necessarily be a government official be aware of the offence and have the ability to report it. Also, the need to report is limited to offences that are prescribed by law, not all offences. However, there is a fundamental difference between Iranian system and the laws of Arab countries in terms of mandatory reporters, the way of declaring offences and the scope of the type of offences and the punishment of crimes. Islamic criminal policy is also different with respect to two types of offences. In the offences against chastity, the Holy Sharee has adopted the approach of covering up the offences, but in security crimes such as *Muharibeh* and homicide, it requires people to report. In Lebanese and Syrian laws, as a rule, ordinary citizens are not obliged to report all offences, but in offences of the type of felonies (crimes against security), the legislator recognizes indifference by anyone as a crime. The physical element of non-reporting in the mentioned systems is committed only by omission. On the other hand, concealing an offence is an intentional crime and deserves general intent, that is the intention to conceal it, but specific intent is not necessary. Compared to our country, the punishment in the Arab systems vary and are more severe, depending on the type of offence. Moreover, unlike Iran, the parties to a confidential relationship, such as lawyer-client, cleric and penitent and family immunity are exempted from punishment in some Arab countries. In general, the penal policy of Arab countries is more repressive, security-oriented and coherent in in response to the indifference of citizens to reporting offences. The present article tries to explain the basics of criminalizing the concealment of the offence and meanwhile its constituent elements in the legal systems of Iran, Lebanon, and Syria.

Keywords: Declaring an offence, Lebanese law, Syrian law, concealing offences, refusing to declare a crime, crimes against justice.

Received: 07/05/2024

Accepted: 07/06/2024;

How To Cite: Davud Seifi Qara Yataq, Ghasem Islami Nia, (2024). Concealing Offences in the Light of the Penal System of Iran, Lebanon and Syria, *Criminal law doctrines of Islamic countries*, 1(2), 46-72.
doi.org/10.22091/DCLIC.2024.10726.1010

Published by: University of Qom

© **The Author(s)**

Article type: Research



کتمان جرائم در پرتو نظام کیفری ایران، لبنان و سوریه

داود سیفی قره یناق^۱

استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه زابل، ایران، زابل (نویسنده مسئول)
davoodseify@gmail.com

قاسم اسلامی نیا^۲

استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه زابل، ایران، زابل
geslamini@gmail.com

چکیده

«اگر چیزی دیدید، گزارش دهید». این عبارت رایج در بسیاری از اعلانات در جهان است که توسط مقامات و پلیس اجرا می‌گردد تا عموم مردم را تشویق کند فعالیت‌های مشکوک را به مجریان قانون گزارش کنند؛ اما از منظر حقوقی این پرسش به میان می‌آید آیا عموم مردم موظف‌اند با مشاهده جرم قطعی آن را گزارش دهند؟ اگر بی‌تفاوت بمانند و کاری انجام ندهند، مجازات خواهند شد؟ آیا برای رهگذران وظیفه قانونی برای گزارش فعالیت یا جرم مشکوک وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش رویکرد کشورهای مختلف است برخی نظام‌های کیفری بی‌تفاوتی در مشاهده بزهکاری و گزارش آن را در موارد محدود، مستحق کیفر می‌دانند، مانند نظام ایران که عناصر متشکله جرم کتمان جرائم در آن از نوع ترک فعل بوده و مرتکب لزوماً باید مأموران دولتی باشند و به وقوع جرم آگاه بوده و توان اعلام آن را داشته باشد. همچنین لزوم گزارش دهی منحصر به جرائمی است که در قانون مصرح شده است نه همه جرائم. بالین‌حال، میان نظام ایران با حقوق کشورهای عربی از حیث گزارشگران اجباری، نحوه اعلام جرم و قلمرو نوع جرائم و مجازات جرم افتراق اساسی وجود دارد. سیاست جنایی اسلام نیز نسبت به دو گونه جرائم متفاوت است. در جرائم منافی عفت شارع مقدس رویکرد بزه‌پوشی را اتخاذ کرده است؛ اما در جرائم امنیتی مانند محاربه و قتل افراد را ملزم به گزارش می‌داند. در حقوق لبنان و سوریه، به‌عنوان قاعده، شهروندان عادی تکلیفی به اعلان همه جرائم ندارند. اما در جرائم از نوع جنایت (جرائم علیه امنیت)، مقنن بی‌تفاوتی توسط هر کس را جرم می‌شناسد. عنصر مادی عدم گزارش در نظام‌های مزبور صرفاً با ترک فعل تحقق می‌یابد. از طرفی کتمان جرم، جرمی عمدی و مستحق سوءنیت عام یعنی قصد پنهان‌کاری است، ولی سوءنیت خاص لازم نیست در مقایسه با کشور ما مجازات در نظام‌های عربی بسته به نوع جرم متغیر و شدت بیشتری دارد. به‌علاوه برخلاف ایران، طرفین روابط محرمانه مانند وکیل - موکل و روحانی و توبه‌کننده و مصونیت خانوادگی در برخی از کشورهای عربی از کیفر معاف شده‌اند. به‌طورکلی، سیاست کیفری کشورهای عربی در واکنش به بی‌تفاوتی شهروندان به گزارش جرم، سرکوبگرانه و امنیت مدار و منسجم‌تر است. نوشتار حاضر می‌کوشد ضمن تبیین مبانی جرم‌انگاری کتمان جنایت، عناصر متشکله آن را در نظام‌های حقوقی ایران و لبنان و سوریه مورد کنکاش قرار دهد.

کلید واژه‌ها: اعلام جرم، حقوق لبنان، حقوق سوریه، کتمان جرائم، خودداری از اعلام جرم، جرائم علیه عدالت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۸

استناد: داود سیفی قره یناق، قاسم اسلامی نیا، (۱۴۰۳). کتمان جرائم در پرتو نظام کیفری ایران، لبنان و سوریه، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۱ (۲)، ۴۶-۷۲.

doi.org/ 10.22091/DCLIC.2024.10726.1010

ناشر: دانشگاه قم © نویسندگان نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

عدالت و عدالت‌گستری یکی از اهداف انبیاء الهی و درعین حال و بنیادی‌ترین خواسته بشر از ابتدای هبوط و سکونت در این کره خاکی بوده است و قانون و قانون‌مداری به‌عنوان یکی از اسناد افتخار انسان متمدن فقط ابزاری برای تحقق عدالت بوده است و خود به‌تنهایی موضوعیت نداشته است و ندارد. گسترش عدالت در جامعه مستلزم مشارکت حداکثری مردم در تحقق مصالح جامعه و پرهیز آنان از هرگونه بی‌تفاوتی نسبت به ناهنجاری‌ها و جرائمی است که نافی عدالت و امنیت است.

مقدمه قانون اساسی نیز با اقتباس از نظام اسلامی، بر «ایجاد سیستم قضایی، بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی تصریح دارد و تأکید می‌کند این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به‌دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد» (اذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ^۵). چنان‌که مشاهده می‌شود، در این عبارات توجه به رعایت عدالت در فرآیند کار قضایی موج می‌زند، به‌ویژه که به یکی از مهم‌ترین جرائم علیه عدالت قضایی یعنی جرم اعمال‌نفوذ تصریح شده است. نیاز جدی به رفتار عادلانه دستگاه قضایی در روند اجرای قانون، قانون‌گذار ایران را بر آن داشته است که در جهت مقابله با بی‌تفاوتی شهروندان نسبت به جنایت، به جرم‌انگاری انحرافات مزبور بپردازد. از این‌رو، تاریخچه قانون‌گذاری ایران از ابتدا به‌صورت پراکنده به جرم‌انگاری برخی مصادیق جرائم علیه عدالت که ناشی از بی‌تفاوتی نسبت به جرم واقع‌شده، پرداخته است. منظور از جرائم مزبور جرائمی است که در سیر عدالت قضایی، روند کشف جرم، تعقیب مرتکب، تحقیق پیرامون جرم، دادرسی و اجرای حکم خدشه ایجاد می‌کند (کوشا، ۱۳۸۱: ۱۲).

لذا از مصادیق بارز موانع کنترل جرم و تحقق عدالت بی‌تفاوتی شهروندان به اعلام جرائم است. در ایران، تأکید برای پیشگیری از بی‌تفاوتی نسبت به بعضی از جرائم واقع‌شده مهم، محدود بوده است و از ابتدا سابقه قانون‌گذاری درباره تکلیف اشخاص عادی در مورد الزام به اعلام جرم در مواد قانونی ایران دیده نمی‌شود. در نظام خارجی مانند در حقوق فرانسه نیز گزارش ارتکاب همه جرائم مهم از سال ۱۹۴۱ الزامی شده است (Amouroux, 1981:134). اکنون براساس ماده ۱-۴۳۳ قانون جزای فعلی خودداری عموم و مقامات از اعلام جنایت، جرم شمرده می‌شود

در کشورهای اسلامی ماده ۳۹۸ قانون جزای لبنان با اقتباس از قانون جزای فرانسه مقرر می‌دارد: «هر لبنانی نسبت به جنایتی که هدف آن بر هم زدن امنیت دولت و کشور باشد، آگاهی داشته و مقامات قضائی یا اداری را از این امر مطلع نسازد به مجازات حبس از یک سال تا سه سال و محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم خواهد شد.» قانون جزای

اردن مصوب ۲۰۰۲ م به‌عنوان جدیدترین قوانین جزایی در کشورهای عربی فصل مستقلی را به جرائم علیه عدالت قضایی اختصاص داد و آن را به سه بخش طبقه‌بندی نمود ۱- جرایمی که نقض‌کننده و مخل روند عدالت است. ۲- جرایمی که مخل عملیات اجرای احکام قضایی است. ۳- احقاق حق به‌صورت شخصی و بدون توسل به دستگاه قضایی.

در مواد ۲۰۶ الی ۲۲۷ جرائم مشمول قسم نخست، خودداری از اعلام جرم، تعلل و تأخیر در کشف، سوگند دروغ، اعلام هویت جعل، انتشار مطالب ممنوعه و شهادت کذب اعلام‌شده است. مطابق ماده ۲۰۶ قانون اردن کنمان جنایت چه از طرف مقامات و چه از جانب عموم مردم باشد. جرم تلقی می‌شود. در این ماده می‌خوانیم. «هر کس به‌واقع شدن جنایتی علم داشته باشد که در زمره جنایات مندرج در مواد ۱۳۵-۱۳۸، ۱۴۲-۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۸ این قانون است و سریعاً مقامات قضایی را به نحوی معقول خیر ننماید به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد»

در ادبیات حقوقی ما علی‌رغم اهمیت مسئله تحقیق مستقلی در خصوص نقض گزارش اجباری به صورت مقارنه آن با حقوق کشورهای عربی انجام نیافته است از این رو ضرورت دارد به منظور ترسیم سیاست کیفری مطلوب در مقابله با بی‌تفاوتی شهروندان به گزارش جرم به مطالعه تطبیقی ابعاد مختلف جرم خودداری از اعلام جرم پرداخته شود. برای بیان مطالب مقاله در سه مبحث سامان می‌یابد. ابتدا مبانی جرم‌انگاری از نظر می‌گذرد، سپس به رویکرد کشورهای عربی می‌پردازیم و در مباحث بعدی به عناصر جرم به شکل تلفیقی در ایران پرداخته می‌شود.

۱. مبانی جرم‌انگاری کتمان جرائم

۱-۱. امر به معروف و نهی از منکر

مبنای نخستین، جرم‌انگاری کتمان جنایات را می‌توان نهاد، امر به معروف و نهی از منکر شناخت. بدین شرح که در نگرش اسلامی جرم در عموم مصداق منکر (ناشایست) قرار می‌گیرد و بر همه، وظیفه و تکلیف نهی از مناهی و هر آنچه مفهوم و مصداق منکر را داشته باشد وجود دارد. در حقوق اسلامی پیگرد عمومی جرائم با دادستانی دستگاهی به نام سازمان حسبه پر می‌کند و محتسب شخصی است که به مبارزه با جرم برمیخیزد و در صورت نیاز به طرح دعوی کیفری و بررسی، به تحقیق و پیگرد مجرمان می‌پردازد، این دعوا را دعوی حسبه می‌گویند و در آن فقط حق خداوند مطرح است. در این‌گونه دعاوی، محتسب از یک‌سو مدعی و اعلام‌کننده جرم است و از سوی دیگر، در همان هنگام گواه به شمار می‌آید. محتسب نیازی به اعلام جرم از سوی زیان‌دیده از جرم (معجنی علیه) نداشت.

در نظام‌های اتهامی اعلام جرم حق خصوصی افراد است که می‌تواند آن را استیفا یا از آن صرف‌نظر نماید. شناسایی این حق با عدم دخالت دیگران در آن ملازمه دارد. لذا هیچ تکلیفی برای مقامات عمومی و فرد غیر بزه‌دیده در اعلام جرم متصور نیست؛ اما در نظام تفتیشی طرح شکایت و تحقیق و گردآوری ادله تکلیف نماینده جامعه است (آخوندی ۱۳۹۳:

۵۱؛ خالقی ۱۴۰۲: ۱۰؛ آشوری، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۹). در این نظام الزام شهروندان به اعلام جرم در واقع کمک به انجام بهتر وظایف دادستان (محتسب) است. در حقوق اسلام برکسی که می‌توانست (قدرت داشت) واجب بود تا در راه جرم‌زدایی جامعه به اعلام جرم بپردازد و شیو اجرا کردن آن در اجتماع، به کس یا کسانی (محتسبان) بستگی داشت که او را یاری می‌دادند. این یاری تکلیف را از نماینده جامعه سلب نمی‌کند (ساکت، ۱۳۸۲: ۴۵۵).

۱-۲. مصلحت اجتماعی (تسهیل اجرای عدالت و پیشگیری از جرائم)

صرف‌نظر از مبنای فوق‌الذکر آیا از باب مصلحت اجتماعی و اجرای عدالت در موارد خاصی، می‌توان اعلام جرم را بر شهروندان الزامی کرد و برای متخلفان، مجازات پیش‌بینی کرد؟ در پاسخ باید گفت برخلاف آنچه گاه تصور می‌شود، دامنه تعهدات اجتماعی افراد در جامعه‌ای که تحت اداره حکومتی صالح و مشروع است، به اوامر و نواهی شرعی که معمولاً تکالیف شخصی است، محدود نمی‌شود؛ چنان‌که جعل مجازات‌های تعزیری نیز به مواردی که عملاً شرعاً حرام باشد، محدود نیست (نظیر رانندگی بدون گواهی‌نامه) یک حکومت صالح وظیفه دارد تا نظم، عدالت و امنیت عموم را در جامعه برقرار کند. چنین وظیفه‌سنجینی می‌طلبد که حاکمیت، ابزارها و اختیارات متناسب در اختیار داشته باشد.

درست است که هیچ دولت حق ندارد، آزادی‌های افراد را بدون دلیل سلب کند، ولی افراد ناگزیرند از بخشی از آزادی‌های خود صرف‌نظر کنند تا امنیت آنان تأمین شود. نتیجه محدود ساختن گستره صلاحیت دولت، به حوزه محرّمات و واجبات شرعی، ناکارآمدی حکومت در اداره جوامع مدرن و پیچیده امروزی خواهد بود. چنان‌که از دیرباز در فقه بخشی از احکام به‌عنوان احکام حکومتی یا احکام سلطانی شناخته می‌شود. این احکام در واقع، مقرراتی است که حاکمیت مشروع و عادلانه، وضع آن‌ها را برای اداره امور جامعه لازم و ضروری می‌بیند. همانند رویکرد قانون مجازات می‌توان حتی تخلف از مقررات و نظام‌های حکومتی را که به‌وسیله یک حکومت مشروع پیش‌بینی شده است، زیر عنوان تعزیرات جای داد (اردبیلی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۵۰).

بنابراین، اگر حاکمیت مشروع و صالح به این نتیجه برسد که در شرایط خاصی، اجرای عدالت و تأمین امنیت افراد و مبارز مؤثر با پدیده بزهکاری، بدون اجبار اشخاص به گزارش دهی ممکن نیست و عدم الزام به اعلام جرم باعث مفسده یا فوت مصالح اجتماعی مهمی می‌شود، می‌تواند اعلام جرم را الزامی کند و برای تخلف از آن، مجازات متناسب پیش‌بینی کند. شهید اول در مقام شمارش تفاوت‌های میان حد و تعزیر تصریح کرده است که تعزیر برخلاف حد همواره تابع گناه و معصیت نیست، بلکه ملاک جواز تعزیر مفسده است، هرچند گناه و معصیتی در میان نباشد (شهید اول، ۱۳۹۹: ۱۴۲-۱۴۱).

بنابراین علت جرم‌انگاری گزارش ندادن جرم ریشه در این مصلحت و ضرورت اجتماعی دارد که بی‌تفاوتی شهروندان

به اعلام جرم در مواردی باعث عدم کشف جرائم، گستاخی بزهکاران و در نتیجه، عدم اجرای عدالت می‌شود. از سوی دیگر الزام برخی از افراد به اعلام جرم سبب پیشگیری عمومی از ارتکاب جرم شده و هزینه ارتکاب جرم را با بالابردن احتمال دستگیری، افزایش می‌دهد. افرادی که تمایل به ارتکاب جرم دارد اگر جدا از ضابطین قضایی، مردم عادی و مقامات دیگر را ناظر اعمال خود بشناسد، به جهت ترس از کشف شدن سریع جرم از ارتکاب آن منصرف می‌شود، حال آنکه اگر اعلام جرم فقط تکلیف ضابطین باشد، به خیالی آسوده‌تر به مخفی کردن جرم خود خواهند پرداخت.

۱-۳. از بزه‌پوشی تا الزام به گزارش در سیاست جنایی اسلام

در سیاست جنایی اسلام نسبت به جنایت (جرائم مهم) دو سیاست در پیش گرفته شده، یکی سیاست جنایی تسامحی یا سیاست جنایی بزه‌پوشی که نسبت به جرائم علیه عفت عمومی همچون؛ زنا، لواط و مساحقه مصداق پیدا می‌کند که به جای کشف و اثبات آن، بر پرده‌پوشی آن‌ها اصرار می‌ورزد (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۷: ۱۸۵). تا آنجا که در برخی موارد حتی تحقیق و تفحص درباره آن جایز نیست (توجهی، ۱۳۹۳: ۱۵). تا چه رسد به الزام افراد به گزارش جرم درباره آن‌ها. در بسیاری از روایات اخلاقی و فقهی ناظر بر جرائم منافی عفت از سوی امامان معصوم □ به عدم افشای لغزش‌های اخلاقی، به جامعه و حاکمان توصیه شده است؛ به گونه‌ای که امام صادق □ در این خصوص می‌فرماید: «بر حاکم است که سه چیز را درباره عام و خاص اجرا کند، پاداش دادن به نیکوکار تا رغبت در انجام اعمال نیک در او بیشتر شود. پوشاندن گناه خطاکاران (جرائم جنسی) تا توبه کند و از گناه باز گردد و ایجاد الفت بین همگان به وسیله احسان کردن و انصاف خرج دادن» (حرانی، ۱۳۷۶: ۳۳۳). همچنین شارع مقدس با علم به تبعات سنگین این مسئله و با تأکید بر حفظ آبروی افراد بشر، بر بزه‌پوشی این جرائم (علیه عفت) تأکید نموده است. بسیاری از فقها بر این اعتقادند که مستحب است زانی و هرکس دیگری که چنین گناهی مرتکب می‌شود، خطای خود را بپوشاند (الحصری، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۷۷)؛ بنابراین می‌توان گفت از نگاه اسلام نسبت به بخش عمده‌ای از جرائم علیه عفت عمومی به عمد و با تدبیر شارع مقدس و با اتخاذ یک سیاست «بزه‌پوشانی» بلا تعقیب مانده و به صدور حکم و اعمال کیفر منتهی نمی‌شود. سیاست دوم، سیاست غیر تسامحی است که مبتنی بر مصلحت اجتماع است و تأکید بر اعلام جرم دارد (ساریخانی، موسوی، ۱۴۰۰: ۱۴۲). زیرا اعلام جرم در موارد بسیاری همچون جرائم علیه امنیت عمومی، محاربه و قتل یک تکلیف شرعی است و الزام افراد به ادای این تکلیف امکان‌پذیر است (شهید اول، ۱۳۹۹: ۱۴۴-۱۴۲).

۲. جرم کتمان جرائم در کشورهای عربی

کشف برخی از جرائم جز با اعلام افراد مسئول یا مرتبط امکان‌پذیر نیست لذا قانون‌گذار برخی افراد را یا در مواقعی همه افراد را ملزم به اعلام جرم نموده است. از آنجاکه عناصر تحقق بزه خودداری از اعلام جرم در لبنان تفاوت‌های با

نظام سوریه دارد، بر این اساس جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. خودداری از اعلام جرائم در نظام سوریه

قانون‌گذار سوریه مواد (۳۸۸ تا ۴۲۱) قانون جزا را به عدالت اداری و قضائی اختصاص داده است، قاعده کلی در قوانین سوریه این است که عدم گزارش یک فرد به مقامات عمومی علی‌رغم اشراف او به ماوقع، عملی نیست که بتوان بابت آن پاسخگو بود؛ اما قانون‌گذار بنا بر ملاحظاتی همانند ضرورت‌های عملی یا شدت جرم ارتكابی یا بعضی از نیات مجرمانه، با توجه به شرایط خاصی گاهی از این قاعده عدول می‌نماید، در این راستا قانون‌گذار به‌عنوان یک وظیفه ملی گزارش جنایات علیه امنیت کشور را تکلیف شهروندان سوری دانسته است و این تکلیف از قانون اساسی سوریه نشئت می‌گیرد، زیرا ماده (۱/۴۰) قانون اساسی سوریه می‌گوید: «همه شهروندان مسئول انجام وظیفه مقدس خود برای دفاع از تمامیت میهن و احترام به قانون اساسی و نظام سوسیالیستی و واحد آن هستند» اگر اطلاع مقامات ذی‌صلاح از جرائم ارتكابی و اعمالی که جرم تلقی می‌شود از نظر اطلاع‌رسانی در مورد این جرائم و در نتیجه تسهیل وظایف آن‌ها مفید باشد، می‌توان کتمان این اطلاعات را جرم تلقی نمود. علاوه بر این عمدتاً و در موارد نادر تا حدودی کتمان فردی که مرتکب جرمی شده یا کتمان فردی که به او در فرار از عدالت کمک کرده است، البته با حفظ تفاوت‌ها و ویژگی‌هایی که هر یک از این دو مورد را متمایز می‌کند، جرم است.

۲-۱-۱. عناصر جرم کتمان جرائم امنیتی

الف. عنصر مادی

اول، سوری بودن مرتکب: لازم است مرتکب تبعه سوریه باشد. از آنجاکه وظیفه گزارش جنایات علیه امنیت داخلی یا خارجی دولت، بیش از هر چیز، یک وظیفه میهن‌پرستانه است، این وظیفه بر عهده فرد عرب سوری است که به دولت وفاداری دارد و در نتیجه عرب غیر سوری خارجی وظیفه گزارش ندارد. این محدودیت مندرج در ماده (۳۸۸)^۶ قانون مجازات سوریه با آنچه قانون‌گذار مصر به‌طور خاص در مواد (۸۴ و ۹۸) قانون مجازات مصر^۷ ذکر کرده است که وظیفه اطلاع‌رسانی را بر دوش اتباع و بیگانگان گذاشته است، مغایرت دارد (محمود ذکی، ۲۰۰۴). دوم، ویژگی جرم گزارش نشده: شرط دیگر کتمان این است که جنایت علیه امنیت کشور اعم از خارجی یا داخلی باشد، ولی اگر جنحه علیه دولت

۶. المادة ۳۸۸: كل سوري علم بجناية على أمن الدولة ولم ينبئ بها السلطة العامة في الحال، عوقب بالحبس من سنة إلى ثلاث سنوات وبالمنع من الحقوق المدنية.

۷. رجوع کنید به ماده (۹۸): «يعاقب بالحبس كل من علم بوجود مشروع لارتكاب جريمة من الجرائم المنصوص عليها في المواد ۸۶ و ۸۷ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ من هذا القانون ولم يبلغه إلى أولى الأمر. ولا يجرى حكم هذه المادة على زوج أي شخص لهيد في ذلك المشروع ولا على أصوله وفروعه. یعنی هرکس از وجود طرح ارتكاب یکی از جرائم موضوع مواد ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳ و ۹۴ این قانون اطلاع داشته باشد و به مسئولین گزارش ندهد. به حبس محکوم می‌شود. مفاد این ماده شامل همسر هر شخصی که در آن جرم مداخله دارد و خویشاوندان وی (از اصول و فروع) نمی‌شود.»

باشد. جز جرائم علیه امنیت کشور محسوب نمی‌شود، بنابراین کتمان آن عقاب ندارد. این نیز یک محدودیت در قوانین سوریه است که در مواد (۸۴ و ۹۸) قانون مجازات مصر معادلی ندارد، زیرا قانون مجازات اسلامی مصر تفاوتی بین اینکه جرم کتمان شده علیه امنیت کشور از نوع جنایت باشد یا جنجه قائل نشده است.

سوم، مدت زمان لازم برای گزارش: این جنایت زمانی رخ می‌دهد که سوری از آنچه در مورد جنایت علیه امنیت کشور مطلع شده بلافاصله به مقامات ذیصلاح اطلاع ندهد؛ و عبارت (فوراً) بیانی است که شارع حدود آن را مشخص نکرده است، بلکه بررسی آن را به قاضی امر واگذار کرده است، چنانکه در متن ماده برای اطلاع دادن به مقامات عمومی قید گردیده است که باید هدف گزارش دهی به‌طور کامل محقق شود: توانایی سریع دولت برای رسیدگی به جرمی که امنیت را نقض و یا مساعی مسئولین را برای جلوگیری از آثار و خطرات آن جرم عقیم می‌گذارد (رغید توتنجی، ۱۹۹۵).

ب. عنصر معنوی (قصد مجرمانه)

این جرم فقط نیاز به سوءنیت خاص دارد: لازم به ذکر است که برای تحقق ارکان این جنایت باید دو مورد ثابت شود: اول، اینکه شخص سوری از امر جنایت علیه امنیت آگاه باشد. دوم، کتمان عمدی جنایت از مراجع ذیصلاح عمدی. البته اثبات جزء دوم منوط به اثبات جزء اول است که در عمل اثبات آن مشکل است

ج. مجازات کتمان جرائم امنیتی

در مورد موضوع مجازات، خاطرنشان می‌شود که قانون‌گذار سوریه جرم کتمان یک جنایت علیه امنیت دولتی را با ماهیت جنحه در نظر می‌گیرد؛ زیرا مجازات مقرر برای این جرم حبس از یکتا سه سال با منع حقوق شهروندی است. قابل توجه است که قانون‌گذار سوریه این جنایت را در فصل جرائم علیه دستگاه قضایی به‌ویژه در چارچوب جرائم علیه عملکرد قوه قضائیه طبقه‌بندی کرده است که مورد انتقاد برخی از حقوقدانان قرار گرفته و توصیه می‌کنند، این جنایت در فصل مربوط یعنی جرائم علیه امنیت کشور طبقه‌بندی شود (تونسی، ۲۰۲۱؛ بدره، ۱۹۹۰).

د. اطلاق بر عموم افراد بدون استثناء

قانون‌گذار سوری، خویشاوندی را به‌عنوان عنصر زائل‌کننده یا مخفف جرم در نظر نگرفته و هیچ شخصی را از مجازات مستثنا نکرده است، لذا مرتکب جرم کتمان از تکلیف قانونی معاف نیست، حتی اگر زوج یا اصول یا فروع وی، مرتکب جرم زمینه شده باشد، مثلاً نوادگان شخصی در آن جنایت شرکت کرده یا مرتکب آن شده است. بنابراین، قانون‌گذار سوریه با برخی از قوانین دیگر، مانند قانون مصر که رابطه خویشاوندی را جزء معاذیر موجهه محسوب می‌نماید، تفاوت دارد. به نظر می‌رسد قانون‌گذار سوریه به دلیل شدت جرم عدم اعلام جرم که امنیت کل کشور و اساس آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، روابط زناشویی یا خویشاوندی را به‌عنوان عذر موجهه در نظر نگرفته است. زیرا از دیدگاه قانون‌گذار سوریه کتمان موضوعات مزبور ممکن است وجود دولت و موجودیت آن را در معرض فروپاشی قرار دهد (محمود ذکی، ۲۰۰۴).

۲-۱-۲. کتمان جرائم توسط مأموران مطلع (کتمان جرم به‌عنوان یک جرم اختصاصی)

در صورتی که کارمند دولت که وظیفه خاص کشف و تحقیق در مورد جرائمی را دارد و بعد از اطلاع، وقوع آن را به دادستان گزارش ندهد، مطابق ماده ۳۸۹^۸ با حصول شرایط زیر مجرم خواهد بود:

الف. مرتکب جرم:

یکی از مهم‌ترین شرایطی که باید در مرتکب رعایت شود این است که وی کارمند تحقیق یا تعقیب جرم باشد و مراد در اینجا عضویت مستخدم در سازمان پلیس قضایی است. به‌نحوی که قانون این صلاحیت را به وی داده باشد. قانون آیین دادرسی کیفری به‌موجب فرمان تقنینی شماره ۱۱۲ مورخ ۱۳۴۹/۳/۱۳ و ظایف و تعداد اعضای پلیس قضایی را در مواد (۶-۸-۷) بیان نموده است، لذا مرتکب باید یکی از افراد مذکور در این مواد باشد.

ب. عنصر مادی جرم:

عنصر مادی جرم عبارت است از سهل‌انگاری یا تأخیر در گزارش جرم خاص که کارمند مأمور به جستجو یا تعقیب، از آن اطلاع یافته است، بر این اساس درجایی که کنترل‌کننده‌ای در گزارش جرم سرقت از وقوع جرم سرقت مطلع شود منتها از اعلام آن خودداری ورزد یا گزارش آن را به تأخیر بیندازد، چون وظیفه تحقیق یا تعقیب جرائم سرقت مزبور را نداشته باشد، مشمول مجازات نخواهد شد. چراکه تعهدات کارکنان پلیس قضایی به اطلاع دادن جرائم کشف‌شده توسط خود، ناظر به‌جایی است که وی صلاحیت تحقیق را داشته باشد الا مشمول تکلیف اعلام نخواهد شد و در مورد نحوه علم مأمور از این جرم فرقی نمی‌کند که بر اساس شکایت یا دریافت خبری یا از طریق گشت‌زنی بوده است (رغید توتنجی، ۱۹۹۵).

ج. عنصر اخلاقی جرم:

به علت اهمیت مسئله، قانون‌گذار «اهمال» را که یکی از اقسام خطا است (طبق ماده ۱۸۹ ق.م.ا؛ خطا عبارت از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی عدم رعایت قوانین و مقررات) با تعویق و تأخیر که یک عمل عمدی محسوب می‌گردد، مساوی دانسته است. در واقع قصد مجرمانه در این مورد عنصر قصور است و قصور زمانی وجود دارد که در اطلاع دادن به مرجع عمومی مصرح در قانون، سهل‌انگاری شود. در مورد قصور که قانون‌گذار، فقط یکی از اشکال آن را ذکر کرده است، قانون دارای نقص است (تونسی، ۲۰۲۱).

د. مجازات:

طبقه‌بندی جرم برحسب شدت آن: قانون‌گذار مجازات مرتکب کتمان جنایت را حبس از یک ماه تا سه سال و دو هزار

۸. ماده ۳۸۹: کل موظف مکلف البحث عن الجرائم أو ملاحظتها، فأهمل أو أرجأ الإخبار عن جريمة اتصلت بعلمه عوقب بالحبس من شهر إلى ثلاث سنوات وبالغرامة ۲۰۰۰ ليرة سورية. - كل موظف أهمل أو أرجأ إعلام السلطة ذات الصلاحية عن جنابة أو جنحة عرف بها أثناء قيامه بالوظيفة أو في معرض قيامه بها عوقب بالغرامة المحددة أعلاه.

لیره سوری جزای نقدی تعیین کرده است که در طبقه جنحه قرار می‌گیرد. مگر اینکه جنایت گزارش نشده، از دسته جرائمی باشد که نیاز به شکایت شخص دارد که در این حالت امتناع از اعلام توسط مأمور، جرم محسوب نمی‌شود مثلاً در جرم رقابت متقلبانه موضوع ماده (۷۰۰ ق.م.ا) و جرم سوء استفاده موضوع ماده (۵۴۰ ق.م.ا)، چون تعقیب در این دو جرم جز با شکایت بزه دیده انجام نمی‌شود. لذا مستتکف از گزارش، مسئولیت کیفری نخواهد داشت.

باید خاطر نشان کرد صلاحیت رسیدگی به این موارد با رعایت مقررات ماده (۱۶۹) قانون آیین دادرسی کیفری با دادگاه بدوی است (حومد، ۱۹۸۷، شمس، ۲۰۰۶) و در رویه قضایی دادگاه تجدیدنظر آمده است. تکلیف به گزارش جرائمی که به موجب ماده (۳۸۹ ق.م.ا) به هر یک از کارکنان مأمور به تحقیق محول شده است، ناظر به جرائم ارتكابی توسط خود کارمندان نیست (دیوان عالی کیفری سوری - جنایت نظامی - قطعنامه ۱۷۲۱ ۱۷۶۹ مورخ ۱۰/۲۲/۱۹۵۵).

۲-۲. جرم کتمان جرائم در لبنان

ماده ۳۹۸ قانون جزای لبنان مقرر می‌دارد «هر لبنانی نسبت به جنایتی که هدف آن بر هم زدن امنیت دولت و کشور باشد، آگاهی داشته و مقامات قضائی یا اداری را از این امر مطلع نسازد، به مجازات حبس از یک سال تا سه سال و محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم خواهد شد.»^۹ ملاحظه می‌گردد، ماده مزبور تخلف از اعلام جرم امنیتی توسط هر شهروندی را ممنوع می‌داند، امری که در قانون ایران پذیرفته نشده است.

۲-۲-۱. شرایط تحقق جرم خودداری از اعلام جنایات

عنصر مادی بزه فوق، عدم اعلام است، بنابراین رکن مادی بزه فوق را ترک فعل تشکیل می‌دهد. به نظر می‌رسد این ماده از قانون مجازات فرانسه اقتباس شده است چه آنکه ماده ۱-۴۳۴ قانون جزای فرانسه مقرر می‌دارد:

«هر کس نسبت به جنایتی که امکان پیشگیری یا محدود کردن آثار آن وجود دارد یا نسبت به کسانی که از قابلیت ارتکاب جنایت جدیدی برخوردار بوده و امکان جلوگیری از ارتکاب‌ها نیز وجود دارد، آگاهی داشته و مقامات قضایی یا اداری را از این امر مطلع نسازد به مجازات حبس تا سه سال و جریمه نقدی تا سیصد هزار فرانک محکوم خواهند شد.»

ماده ۳۹۸ قانون جزای لبنان به مثابه ماده ۱-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه آحاد ملت را ملزم به اعلام جنایت نموده، یعنی باید این اصل را پذیرفت که هر شخص در جامعه ملزم به اعلام جرائم جنایی می‌باشد. با توجه به ماده شرایط تحقق این جرم عبارت‌اند از:

۹. ماده ۳۹۸ قانون مجازات لبنان مقرر می‌دارد «کل لبنانی علم بجنایة علی امن الدولة ولم ینبئ» بها السلطة العامة فی الحال عوقب بالحبس من سنة الی ثلاث سنوات وبالمنع من الحقوق المدنية.»

الف. خودداری از اعلام جرم؛

ب. جنائی بودن جرم؛

ت. جنایاتی که هدف آن‌ها بر هم زدن امنیت کشور باشد؛

ث. آگاهی داشتن مرتکب از جنایت.

بنابراین زمانی این بزه محقق می‌شود که شهروند لبنانی از بزه به هر طریقی مطلع بوده و جرم ارتكابی نیز از درجه جنایی باشد و هدف مرتکب جنایت نیز بر هم زدن امنیت کشور باشد و شخص مطلع مقامات اداری و قضایی را مطلع نسازد، عنصر روانی بزه فوق نیز عمد است؛ یعنی امتناع و خودداری باید از روی اراده باشد. مجازات بزه فوق حبس از یکتا سه سال و علاوه بر آن محرومیت از حقوق اجتماعی است.

۲-۲-۲. شرایط مادی جرم اهمال یا تأخیر در اعلام مطلق جرائم توسط مقامات

ماده ۳۹۹ قانون مجازات لبنان که آخرین بار در تاریخ ۱۹۹۳/۹/۲۷ اصلاح شده، مقرر می‌دارد: «هر یک از مقامات و مسئولان دولتی که وظیفه کشف جرم و ملحقیات آن اعم از حفظ آثار و دلایل جرم را به عهده دارند. در انجام وظیفه محوله اهمال کند و یا اعلام جرم و جنایتی را که به آن آگاهی دارد به تأخیر بیندازد، به مجازات از یک ماه تا سه سال حبس و جریمه نقدی از بیست هزار لیره تا دویست هزار لیره محکوم خواهد شد. با توجه به ماده تحقیق جرم منوط به شرایط ذیل است.

رفتار فیزیکی جرم از نوع ترک فعل بوده که هم خودداری از گزارش دادن و هم اهمال در تأخیر را نیز در برمی‌گیرد، مرتکبین جرم مزبور اختصاص به ضابطین و مقامات مسئول دارد و شامل افراد عادی نمی‌شود. در این ماده جرائم موضوع گزارش، وسیع بود و در کنار جنایات به جنحه هر تسری می‌یابد، یعنی برای مقامات کاشف و تحقیق، عدم گزارش مطلق جرائم و اهمال در اعلام آن‌ها، جرم شناخته شده است.

قانون‌گذار استتکاف از اعلام جرم را مدنظر قرار نداده بلکه اهمال و تأخیر در انجام وظیفه را مورد توجه قرار داده است که عنصر معنوی این بزه را با آنچه در ماده ۳۹۸ آمده، متفاوت می‌سازد. در این ماده مرتکب قصد خودداری از اعلام را ندارد، بلکه در انجام وظیفه خود کوتاهی می‌کند و مرتکب این جرم برخلاف ماده ۳۹۸ مقامات و مسئولان دولتی است و آن هم مقاماتی که وظیفه آن‌ها حفظ آثار و دلایل جرم است یا مقامات و مسئولانی است که از وقوع جرم آگاهی دارند.

تبصره ذیل این ماده مقرر می‌دارد: «هریک از مقامات و مأموران دولتی که در اثناء انجام وظیفه یا به‌موجب آن به وقوع جنایت یا جنحه‌ای آگاهی پیدا کند و در اعلام آن به مقامات قضائی یا اداری اهمال کند یا اعلام جرم را به تأخیر

بیندازند به حداکثر جریمه نقدی محکوم خواهند شد.»

تنها تفاوت تبصره با آنچه در اصل ماده آمده، این است که تبصره صرفاً جرم و جنایتی را مدنظر قرار داده است که مأمور دولتی در حین انجام وظیفه به آن‌ها برخورد می‌نماید، اما در اعلام آن‌ها بر مقامات جهت کسب تکلیف یا اقدام توسط خود مقامات اهمال یا تأخیر می‌نماید.

۳. عنصر مادی بزه امتناع از اعلام بزه در حقوق ایران

در قانون مجازات اسلامی ماده قانونی که کتمان جرائم از طرف مقامات یا افراد عادی را جرم بدانند وجود ندارد، با این حال در قوانین خاص می‌توان مواردی را یافت که مقنن گزارش ندادن جرم را جرم می‌داند. با تتبع در این قوانین به شرایط تحقق این جرم می‌پردازیم.

۳-۱. مقامات و اشخاص مصرح در قانون

در قوانین موضوعه ایران، بی‌تفاوتی نسبت به جرم بیش از هر چیزی در مورد بعضی از اشخاص وابسته به دولت پیش‌بینی شده است و افراد و شهروندان عادی در موارد بسیار محدودی آن‌هم با شرایطی خاص مکلف به عدم بی‌تفاوتی در برابر جرم واقع شده گردیده‌اند. تکلیف به اعلام جرم فقط در مورد اشخاص و مقامات پیش‌بینی شده است و قانون نسبت به تکلیف افراد و اشخاص عادی، ساکت است. اعلاماتی که در آن تکلیفی متوجه اشخاص عادی شده است نیز دلالت بر ضمانت اجرای، (مانند آنچه در قانون مجازات عمومی مواد ۷۸ و ۹۶ و ۱۴۳) قانون مجازات اسلامی (مواد ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۵۵۶) پاداش (معافیت یا تخفیف مجازات) دارند و قانون، افرادی را که خود در عناصر متشکله آن جرائم (مخصوصاً جرائم امنیتی) دخیل‌اند، به اظهار اعلامات مقید کرده است و تکلیفی بر دوش دیگر شهروندان از باب الزام‌آور دانستن اعلامات ایشان، قرار نداده است. اصولاً قانون‌گذار ایران به این مسئله توجه خاص نشان نداده است. هرچند که به‌طور محدود در برخی از قوانین خاص می‌توان مصادیقی را پیدا کرد که شبیه به جرم عدم اعلام جنایت در نظام حقوقی دیگر است.

۳-۲. حصری بودن جرائم ملزم به گزارش

عدم گزارش همه جرائم، جرم شناخته نشده، بلکه قانون‌گذار گزارش نکردن برخی از جرائم مهم را که به‌صورت حصری در مواد قانونی پیش‌بینی کرده، جرم می‌شناسد. به عبارت دیگر از حیث موضوع، جرم خودداری از جرائم جنبه عمومی ندارد. در زیر به جرائمی که عدم گزارش آن صراحتاً جرم‌انگاری شده است، اشاره می‌گردد. علاوه بر انحصار ممنوعیت بی‌تفاوتی نسبت به اعلام جرم به بعضی از اشخاص رسمی و عادی قانون‌گذار خواستار توجه فعال شهروندان به همه جرائم نیست. بلکه ضمن گزینش بعضی از رفتارهای خاص و مهم صرفاً بی‌تفاوتی در بعضی از جرائم موضوع

جرم‌انگاری واقع گردیده است.

۱-۲-۳. بی‌تفاوتی مدیران و مسئولین ناظر در ماده ۶۰۶ ق.م.ا.

ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی در راستای پیشگیری از فساد دولتی و تضییع بیت‌المال که ثروت آن متعلق به همه جامعه است و به انگیزه کشف مؤثرتر جرایمی چون ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی، کلاهبرداری، تدلیس در معاملات دولتی و عمومی (موضوع ماده ۵۹۹) و پورسانت غیرقانونی در معاملات دولتی (موضوع ماده ۶۰۳)، مدیران و ناظران مربوطه را با قید کیفر از بی‌تفاوتی در قبال جرائم موصوف برحذر داشته است. ماده ۶۰۶ می‌گوید:

«هریک از رؤسا، مدیران یا مسئولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۸۹ که از وقوع جرم ارتشاء یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرائم موضوع مواد ۵۹۹ و ۶۰۳ در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت‌دار قضایی یا اداری اعلام ننماید، علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفسال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

در این ماده تنها بی‌تفاوتی رئیس و مدیر نسبت به جرائم مصرح در ماده در صورتی جرم است که فرد از وقوع آن مطلع شده باشد. اما در عین حال قانون‌گذار تکلیفی را برای کشف جرم بر عهده آن‌ها قرار نداده است.

۲-۲-۳. جرایم اقتصادی

مصادق دیگر در رابطه با بی‌تفاوتی نسبت به جرم واقع شده، امتناع از افشاء قضایی جرائم اقتصادی می‌باشد. بدین نحو که تبصره ۲ ماده ۱ قانون مجازات اخلال گران نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ مقرر می‌دارد: در این موارد (جرائم موضوع این قانون) مدیر یا مدیران و بازرسان و به‌طورکلی مسئول یا مسئولان زیربط که به‌گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند، مکلف‌اند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند، اقدام فوری و مؤثری انجام دهند و کسانی که از انجام تکالیف مقرر در این تبصره خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند، معاون جرم محسوب و حسب مورد به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می‌شوند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۳۸۷).

۳-۲-۳. خودداری از اعلام کودک‌آزاری

کودک‌آزاری نوعی از بزه‌دیدگی خاص و دارای ویژگیهای منحصر به فردی است. زیرا بزه‌دیدگی این نوع جرم توانایی دفاع از خود و شکایت را ندارد. حتی کودک بزه‌دیدگی در بسیاری از اوقات از مجرمانه بودن رفتاری که علیه او واقع شده است، بی‌اطلاع است. ویژگی‌های مزبور علاوه بر این که در تشدید بزه‌دیدگی مؤثر است. در صورت عدم مقابله با آن به علت

بی تفاوتی مسئولین و مردم موجب بسیاری از ناهنجاری‌ها و بیماری‌های جسمی و روحی در طفل بزه‌دیده می‌گردد. لذا بی تفاوتی نسبت به کودک‌آزاری واجد آثار منفی اجتماعی متعددی است که قانون‌گذار کیفری آن را جرم‌انگاری نموده است. به موجب ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان:

«کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسؤولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده‌دارند، مکلف‌اند به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری مراتب را جهت پیگیری قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند، تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون (۵۰۰۰۰۰۰) ریال خواهد بود.»

کودک‌آزاری از جرایمی است که با وجود اهمیت بسیار آن، کشف آن مستلزم همکاری سرپرست یا اطرافیان کودک است. لذا ماده مذکور درصدد مقابله باکسانی است که با وجود اطلاع و مشاهده کودک‌آزاری، با بی تفاوتی فعال اقدام به گزارش آن به مقامات نمی‌کنند. رکن مادی این جرم نیز عدم اعلام پس از مشاهده است. برای تحقق این جرم، مسئولیت سرپرستی و نگاه‌داری از کودک، اعم از مسئولیت مستقیم مانند اولیاء قانونی و مسئولیت غیرمستقیم مانند مدیران و مسئولین مراکز حامی یا سرپرست کودکان از شرایط اصلی است (سیفی، ۱۴۰۱: ۱۲).

در عین حال از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق موارد کودک‌آزاری توسط افراد مؤسساتی که مسئول نگاهداری کودکان هستند ارتکاب می‌یابد، محدود نمودن این تکلیف به افرادی خاص چاره‌ساز نمی‌باشد و بهتر بود مقنن، کلیه افرادی را که با کودک زندگی می‌کنند یا در حیطه وسیع‌تر، کلیه افراد جامعه را در این مشارکت، سهیم می‌نمود. (اسدی، ۱۳۸۴؛ کاویار، ۱۳۸۸: ۱۲۴). رکن معنوی این جرم، سوءنیت عام و عمد در عدم اعلام است. لازم به ذکر است که بی تفاوتی آتی نسبت به کودک بزه‌دیده جرم تلقی شده است در واقع عبارت «به محض مشاهده» که گویای آتی بودن جرم و اهمیت زمان در آن است.

۳-۲-۴. ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری

مطابق ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی بی تفاوتی کلیه اشخاص رسمی نسبت به جرائم غیر قابل گذشت ارتکاب یافته در حوزه کاری خود بدون تعیین نوع مجازات آن ممنوع اعلام شده است. حسب این مقرر «مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرائم غیر قابل گذشت مطلع می‌شوند، مکلفند موضوع را فوری به دادستان اطلاع دهند.» ملاحظه می‌گردد به رغم تکلیف به گزارش‌دهی، ضمانت اجرای کیفری به‌طور کلی بر آن‌ها وضع نشده است (خالقی، نکته‌ها، ۱۳۹۳).

در رفع این ابهام و سکوت، برخی معتقدند تنها گزارش ندادن برخی از جرائم مستحق کیفر است و منظور از «مقامات و اشخاص رسمی»، مدیران و کارکنان سازمان‌های اداری و دولتی و عمومی است، اعم از اینکه رابطه استخدامی این افراد

با سازمان مربوطه رسمی یا پیمانی باشد. عدم انجام تکلیف یاد شده در ماده، تخلف اداری محسوب می‌شود، اما برخی اشخاص در صورت عدم اعلام وقوع برخی جرائم معین، مسئولیت کیفری خواهند داشت، از آن جمله می‌توان به ماده ۶۰۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ اشاره کرد (خالقی، ۱۴۰۲، نکته‌ها، ۱۰۵). در تأیید این دیدگاه اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی ۹۹۰/۹۴/۷ مورخ ۲۱/۴/۱۳۹۴ بیان می‌دارد:

«هرچند ماده ۷۲ قانون جدید مقامات و اشخاص رسمی را مکلف نموده که در صورت اطلاع از وقوع یکی از جرائم غیرقابل گذشت در حوزه کاری خود مراتب را به دادستان اطلاع دهند، لکن با عنایت به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، صرفاً عدم اعلام مقامات مذکور در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ در خصوص جرائم احصاء شده در ماده ۶۰۶ همین قانون که در حوزه تحت اداره و نظارت آنان واقع شده جرم است» (ساوالانی، ۱۳۹۹: ۲۰۱).

در عین حال مکلف کردن تمام اشخاص رسمی به اعلام مستقیم جرم به دادستان با رعایت اصل سلسله‌مراتب اداری مغایرت دارد. ثانیاً همان‌گونه که ذکر شد تکلیف ضمانت اجرای تخلف از ماده ۷۲ مشخص نیست.

۳-۲-۵. بی‌تفاوتی نسبت به گزارش جرائم صید شکار، قمار و مشروبات و جرائم مواد مخدر

برخی موارد دیگر که خودداری از گزارش جرم در قوانین خاص مجازات داری می‌توان گزارش نکردن وجود اماکن قمار یا صرف مشروبات الکلی به وسیله مأموران ذی‌صلاح (ماد ۷۱۱ قانون مجازات اسلامی)، گزارش نکردن جرائم موضوع قانون شکار و صید به وسیله شکاربان (ماده ۲۰ قانون شکار و صید، مصوب ۱۳۴۶) گزارش نکردن کشت خشکاش یا کوکابین یا شاه دانه به مراجع ذی‌صلاح (ماده ۲۵ قانون مبارزه با مواد مخدر، اصلاحی ۱۳۸۹) اشاره کرد.

۳-۲-۶. اخفاء یا دفن بدون مجوز جسد مقتول

از دیگر موارد اخفاء جسد مقتول یا دفن بدون مجوز قانونی آن است. ماده ۶۳۶ در این رابطه می‌گوید: «هر کس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی کند یا قبل از این که به اشخاصی که قانوناً مأمور کشف و تعقیب جرائم هستند خبر دهد، آن را دفن نماید به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم خواهد شد.» در این مورد بی‌تفاوتی نسبت به جرم در قالب بی‌تفاوتی نسبت به اعلام جرم بروز پیدا می‌نماید. از آنجاکه ممکن است دفن جسد مقتول موجب عدم تعقیب عاملین جنایت شود، قانون‌گذار دفن بدون مجوز و یا بدون اعلام آن را جرم دانسته است. از تعبیر «با علم به قتل» برداشت می‌شود که مقصود ماده قاتل یا معاون نیست، بلکه مقصود اشخاص دیگری است که از قتل مطلع می‌شوند. در این جرم مرتکب با مخفی کردن یا دفع جسد، در عمل از اعلام قتل به مقامات استنکاف می‌کنند. در واقع این جرم نیز به نوعی عدم اعلام جرم به مقامات قضایی محسوب می‌شود منتها تفاوت آن با سایر مصادیق این است که مجرم در اینجا لزوماً یک

فعل مثبت (اختفا یا دفن) انجام می‌دهد. به بیان دیگر ترک فعل همراه فعل است؛ اما اگر فرد علی‌رغم علم به قتل بدون آنکه جسد را مخفی یا دفن کند، سکوت پیشه نماید نمی‌توان او را مسول شناخت (طارمی، ۱۳۸۸).

۳-۲-۷. بی‌تفاوتی دیوان محاسبات نسبت به اعلام جرائم کشف شده

مطابق تبصره ۲ ماده ۲۳ و ماده ۲۵ قانون مزبور، چنانچه هیاتهای مستشاری وقوع جرمی را احراز نمایند یا اینکه هر گاه دیوان محاسبات ضمن انجام وظایف خود به یکی از جرائم عمومی برخورد نماید مکلف است موضوع را از طریق دادستان برای تعقیب به مراجع قضائی اعلام نماید. در بررسی مواد مزبور لازم است مشخص گردد: اولاً، دیوان محاسبات مکلف به اعلام چه جرائمی به مرجع قضائی است؟ ثانیاً، برای جلوگیری از استتکاف مأمورین رسمی از اعلام جرم به مراجع قضائی چه ضمانت اجرای در قانون پیش‌بینی شده است.

جرائم عمومی مدنظر مقنن لازم است، ارتباط متناسب با وظایف مزبور داشته باشد تا اینکه مأمورین دیوان محاسبات در انجام وظایف قانونی خود به آن جرائم برخورد نمایند. پس جرائم عمومی منظور ماده ۲۵ قانون دیوان محاسبات کشور اصولاً جرائم تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت است که در مواد ۵۹۸ الی ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین تصریح شده است که عمده این جرائم که بی‌تفاوتی نسبت به آن ممنوع اعلام شده است عبارت‌اند از:

الف. جرم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و جرائم در حکم آن: (ماده ۵۹۸) تصرف غیرقانونی عبارت از استفاده و مصرف غیرمجاز اموال و وجوه دولتی یا عمومی توسط کارمندان و مأموران موظف دولت و یا اهمال و تفریط آن‌ها در حفظ و حراست از اموال و وجوه متعلق به دولت و عموم و همچنین اقدامات غیرمجاز منجر به ایجاد دین و تعهد بر ذمه دولت است.

ب. جرائم علیه دولت؛

جرائم در حکم اختلاس از قبیل مصرف وجوه صندوق بازنشستگی برای غیر امور پرداخت حقوق بازنشستگی و وظیفه و استرداد کسور بازنشستگی موضوع ماده ۱۰۱ لایحه قانونی استخدام کشوری، اتلاف عمدی وجوه و اموال دولت موضوع تبصره ۱ ذیل ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری و کلیه جرائمی که در قوانین دیگر به‌عنوان جرائم در حکم اختلاس بیان شده است، می‌باشد.

ت. تدلیس در معاملات دولتی (۵۹۹) و ارتشاء؛

ث. تبانی در معاملات دولتی (به موجب قانون ماده واحد تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸)؛

ج. مداخله در معاملات دولتی و داوری دعوی له و علیه دولت: لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان

مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷؛

ح. ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل: اگر با وظایف قانونی دیوان محاسبات مرتبط باشد، می‌تواند مشمول موضوع جرائم عمومی مذکور در ماده ۲۵ قانون دیوان محاسبات کشور محسوب شود (ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳).

۳-۳. رکن مادی بی‌تفاوتی نسبت به جرم واقع شده

عنصر مادی جرم گزارش نکردن جرائم به‌صورت ترک فعل تحقق می‌یابد، این امر از منطوق ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶ قانون کودک‌آزاری به‌راحتی قابل استنباط است که اشعار می‌دارد: «هریک از رؤسا، مدیران یا مسئولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۸۹ که از وقوع جرم ارتشاء ... مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت‌دار قضایی یا اداری اعلام ننماید» ماده ۶ قانون جلوگیری از کودک‌آزاری نیز مقرر می‌دارد: «کلیه افراد و مؤسسات و ... مکلفند به‌محض مشاهده موارد کودک‌آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند، تخلف از این تکلیف موجب حبس ... خواهد بود» اطلاع از وقوع جرم لازمه تحقق رکن مادی جرم است. لذا عدم اعلام ناشی از جهل جرم نخواهد بود. به علاوه در این جرم تحت نظارت یا اداره بودن مؤسسات و ادارات موردنظر که جرم در آن اتفاق افتاده، شرط است.

۳-۴. مستمر و مطلق بودن جرم

از ویژگی این جرم مستمر بودن آن است. چراکه قانون‌گذار نگفته است که «به‌محض اطلاع از وقوع جرم اعلام نکند» تا جرم آتی شود؛ بنابراین این جرم مستمر بوده، استمرار عدم اعلام کافی است. به‌علاوه جرم استتکاف از اعلام بزه، جرمی مطلق است و ضرورتی برای وقوع نتیجه ندارد.

۴. عنصر معنوی

۴-۱. در حقوق ایران

از لحاظ رکن معنوی این جرم، با وجود سوء نیت عام محقق می‌شود. عمد در بی‌تفاوتی باید از طریق خودداری از اعلام جرم مشاهده شده و یا جرمی که به اطلاع فرد مسئول رسیده است احراز گردد. بنابراین حتی اگر با انگیزه خیر، جرائم مذکور را اعلام نکند، جرم تحقق یافته است.

موضوع جرم خودداری از اعلام جرم، همه فروض «عدم گزارش جرم ارتکاب یافته» را شامل می‌گردد. بنابراین مرتکب جرم باید علم به جرم بودن عمل و ارتکاب آن داشته باشد. ماده ۲۵ قانون دیوان محاسبات در این زمینه مقرر داشته «چنانچه هیئت‌های مستشاری وقوع جرمی را احراز نمایند» ماده ۶ قانون کودک‌آزری از عبارت «مشاهده استفاده کرده که دلالت بر لزوم علم مقامات به وقوع جرم دارد. ماده ۶۰۶ هم صریحاً اشعار می‌دارد: «هریک از رؤسا، مدیران ... از

وقوع جرم ارتشاء یا اختلاس ... مطلع شده.» در این ماده مقنن اطلاع مسئول از جرائم ارتكابی را شرط تحقق جرم می‌داند.

۲-۴. در نظام عربی

کنمان جرائم، چه در حقوق لبنان و سوریه جرمی عمدی است که مرتکب آن به موازات علم به عنصر مادی باید دارای قصد مجرمانه در انجام ترک فعل و عمل پنهان‌کاری است. به عبارت دیگر، جرم با سو نیت عام محقق می‌شود و لکن از قوانین برمی‌آید که سوء نیت خاص لازم نیست. بنابراین بر تحقق جرم نخست مرتکب باید بداند که یک جرم امنیتی اتفاق افتاده است. خواه علم خود را با حضور و مشاهده در لحظه وقوع جرم به دست آورده یا به طریق دیگری مانند اقرار مجرم اصلی و یا مشاهده آثار جرم از وقوع جرم مطلع شده است. دوم آنکه مرتکب بداند جرم ارتكابی از نوع جنایت می‌باشند منتها لازم نیست از تعزیری و درجه خاص بودن جرم زمینه‌ای هم آگاه باشد.

از سوی دیگر تحقق جرم عدم گزارش، منوط به وجود قصد خاصی در مرتکب نیست چون‌که در ماده ۳۹۸ قانون لبنان هیچ قیدی و قرآینی برای قصد و انگیزه مرتکب مشاهده نمی‌گردد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد برخلاف حقوق ایران، جرم خودداری از اعلام جرائم در برخی از مصادیق، از طریق خطای جزای یعنی بی احتیاطی و بی‌مبالاتی نیز قابل تحقق است. بدین توضیح که در مواردی که مأمور تحقیق و کشف با اطلاع از وقوع جرم در گزارش آن اهمال و تأخیر می‌کند، تحت پیگرد قرار می‌گیرد. در اینجا اطلاق کلمه اهمال دلالت می‌کند که هرگاه مأمور به عمد یا از روی سهل‌انگاری و کوتاهی در اعلام جرم تأخیر یا اهمال ورزد، مستوجب کیفر خواهد بود.

۵. موارد مشروع گزارش نکردن جرم در نظام‌های حقوقی

۱-۵. حقوق ایران

قانون‌گذار کیفری در بعضی از موقعیت‌ها بی‌تفاوتی نسبت به جرم را موجه می‌داند. هرچند که در جرائم علیه عدالت قضایی اصل بر اعلام است. ولی در دو جا استثنا شده است ۱. مصونیت خانوادگی؛ ۲. داشتن وظیفه رازداری و حفظ اسرار شغلی.

۱-۱-۵. مصونیت ناشی از رابطه نسبی و سببی

اطلاع از وقوع جرم در محیط خانوادگی و یا توسط خویشاوندان موضوعی چالش‌برانگیز است که افراد را در دوراهی التزام به مصلحت خانوادگی و مصلحت اجتماعی قرار می‌دهد. اگر جرم مزبور اعلام گردد، باعث ایجاد کدورت و تزلزل در روابط خویشاوندی می‌گردد و اگر با بی‌تفاوتی نسبت به آن اغماض گردد، مصالح اجتماعی فرو گذاشته می‌شود.

در این بین برخی قانون‌گذاران مانند فرانسه و اردن (ماده ۲۰۶)^{۱۰} در صورتی که مرتکبان جرم اعم از مباشران یا معاونان، والدین فرد مطلع در یک خط مستقیم یا همسران آن‌ها و نیز برادران، خواهران یا همسران آن‌ها باشند، گزارش و اعلام جرم را لازم ندانسته است. زیرا معمولاً گزارش جرم علیه کسی به‌ویژه نزد مقامات ذیصلاح، کدورت‌هایی را میان فرد گزارش دهنده و متهم پدید می‌آورد. در واقع در تعارض میان مصلحت تسهیل اجرای عدالت و حفظ روابط خانوادگی ترجیح با مصونیت خانوادگی است.

نظام حقوقی ما نسبت به اثر روابط خانوادگی در جرم کتمان جنایت ساکت است. به نظر می‌رسد مقامات و مدیرانی که به دلیل داشتن رابطه خانوادگی با مجرم از اعلام جرم خودداری کرده‌اند. قانوناً عملشان و قابل پیگرد قرار است، ولی چنین انگیزه و وضع خاصی می‌تواند از موارد کیفیات مخفیه مجازات به شمار آید. آنچه از کتب و متون فقهی برمیآید رابطه خانوادگی (رابطه ابوت) البته از منظری دیگر صرفاً در سه جرم سرقت حدی و قتل عمدی و قذف اثر دارد و از میان انواع نسبت خویشاوندی رابطه ابوت مسقط حد قطع و جلد و قصاص پدر شناخته شده است (نجفی، ۱۳۷۴: ۴۸۶-۸۹، محقق حلی، ۴: ۱۶۰؛ حلی، ج ۹: ۲۳۳؛ خویی، ۱۴۲۲: ۲۵۱)، ولی در مورد امکان یا عدم امکان تعزیر پدر و جد پدری که از مال فرزند سرقت نموده اختلاف نظر است هرچند مشهور فقها قائل به تعزیر وی هستند (اردبیلی، ج ۱۳: ۲۲۶؛ نجفی، ۱۳۷۴: ۴۱۹).

با وجود این به عقیده برخی از نویسندگان وحدت ملاک تأثیر رابطه خانوادگی در سرقت با سایر جرائم تأثیر قرابت در سرقت به بقیه جرائم از جمله جرائم اموال مالکیت را ایجاب می‌نماید، بلکه می‌توان گفت تأثیر رابطه خانوادگی در جرائم مالی غیر از سرقت حدی به قیاس اولویت استنباط می‌گردد، چه اینکه در مورد حکم قصاص بعضی از اقارب نیز روایات وارده ناظر به عدم امکان قصاص نفس بر پدر است و عدم امکان قصاص عضو از فحواً دلیل استفاده شده است. در مورد جرائم علیه اموال نیز از آنجاکه سرقت حدی فرد اجلابی این‌گونه تعدیات است هنگامی که در این جرم رابطه خانوادگی خاص مؤثر در حکم است. به طریق اولی در مورد سایر جرائم که از حیث مجازات سبک‌تر سرقت حدی است، رابطه خانوادگی مورد نظر تأثیرگذار خواهد بود. به دیگر سخن نمی‌توان گفت در جرم سرقت که دارای شرایط بیشتر و مجازات شدیدتری است، در صورت سرقت پدر از مال فرزند مجازات اصلی این جرم ساقط می‌شود، ولی در صورت خیانت پدر در مالی که فرزند به او سپرده است مجازات ساقط نمی‌شود. این معنا در آرای برخی از فقهای معاصر قابل مشاهده است

۱۰. در فرانسه به‌جز موارد مربوط به جنایات ارتکاب یافته نسبت به اطفال کمتر از پانزده سال، افراد ذیل از اعمال ماده مذکور مستثنی شده‌اند: والدین در خط مستقیم؛ برادران یا خواهران مرتکب؛ معاون جرم یا همسر آنان؛ همسر مرتکب یا معاون جنایت یا شخصی که آشکارا در موقعیت زناشویی با وی زندگی می‌کند. همچنین، کسانی که بر اساس شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۱۳-۲۲۶ موظف به رازداری هستند نیز از اعمال بند اول مستثنی شده‌اند. قانون اردن نیز در ماده ۲۰۶ به صراحت مجازات را از والدین و همسران و خواهران و مباشران جرم در عدم گزارش معاف دانسته است.

(حیدری، ۱۳۹۳: ۱۲۲). در جرم خودداری از اعلام بزه نیز می‌توان به قیاس اولویت حکم به عدم مسئولیت مرتکب داد و این نظر تفسیر به نفع متهم نیز هماهنگ‌تر است.

۵-۱-۲. داشتن وظیفه رازداری

تعارض پیش‌گفته از منظری دیگر در بعضی از مشاغل خاص نیز قابل تحقق است. در بعضی از مشاغل که عرفاً به‌خاطر ماهیت آن حرفه افراد باید رازدار مواقع باشند نیز گاهی بی‌تفاوتی نسبت به جرم به علت ماهیت آن حرفه و لزوم در نظرداشتن مصالح اجتماعی تعارض و دوگانگی واقع می‌گردد. زیرا اگرچه گزارش جرم از جانب پزشک یا وکیل به دلیل اعتبار اطلاعات به نفع جامعه خواهد بود. ولی از سوی دیگر، این امر به قیمت سلب اطمینان بیمار و موکل نسبت به وکیل و پزشک خود تمام می‌شود و این موضوع به تدریج موجب ناکارآمدی حرفه‌هایی خواهد شد که اساس کار آبی آن بر اطمینان و اعتماد به وکیل و پزشک استوار گردیده است. درحقیقت حتی ممکن است وظایف حرفه‌ای گزارش جرم، نه تنها باعث افزایش اطلاعات نشود، بلکه میزان اطلاعات را کاهش دهد؛ زیرا افراد به دلیل ترس از گزارش اطلاعات، اطلاعات فیلتر شده‌ای در اختیار وکلا قرار می‌دهند و یا حتی از مراجعه به وکلا خودداری می‌کنند.

این واقعیت‌ها در موضع غالب نظام‌های حقوقی خارجی مؤثر بوده است. بر اساس ماده ۱-۴۳۴ قانون جزای فرانسه، وکلا به دلیل مصونیت حرفه‌ای، ملزم به گزارش جرم نیستند؛ زیرا طبق ماده ۱۳-۲۲۶ قانون جزای فرانسه، نقض وظیفه رازداری حرفه‌ای جرم است و چون وکلا در مواجهه با دو معیار کاملاً متناقض یعنی وظیفه افشای جرم و وظیفه رازداری، نمی‌توانند به هر دو عمل کنند، به‌طورکلی چنانچه وکلا در حیطه شغلی خود به جرمی آگاه گردند، در گزارش یا عدم گزارش جرم مختار خواهند بود (Stretch, 2003: 18). لازم به ذکر است یک متخصص فقط در صورتی به دلیل رازداری حرفه‌ای از گزارش جرم مستثنا می‌شود که در زمان انجام مسئولیت‌های حرفه‌ای خود، به جرم واقف شده است (Soutoul, 1992: 21).

در نظام حقوقی ما برخی از نویسندگان در این خصوص نظری دیگر داشته و معتقدند در این فرض بایستی قدر متیقن گرفت، یعنی در تعارض بین ماده ۶۴۸ که اگر کسانی به مناسبت شغل محرم اسرار می‌شوند افشای اسرار مسئولیت کیفری دارد و درجایی که می‌بایستی جرم قبل از وقوع اعلام شود، قدر متیقن این است که راز را تعریف و در چارچوب راز بنا را بر عدم افشا می‌گذاریم. اما در جنایات علیه امنیت و تمامیت ارضی و تروریسم، مصونیت خانوادگی یا نوع حرفه مانع از بی‌تفاوتی نسبت به جرم نیست. چراکه اهمیت جرائم علیه امنیت ایجاب می‌کند که یک جامعه برای جلوگیری از وقوع جرم بسیج شوند. در مورد اعلام جرم سه حالت در نظر می‌گیریم: ۱. قبل از وقوع جرم؛ ۲. اینکه اگر مقام‌های قضایی را مطلع کنیم آثار جرم را کاهش خواهیم داد بایستی مقام‌ها را مطلع کنیم؛ ۳. اگر قادر هستیم که مطلع کنیم تا افراد مرتکب

جرم دستگیر شوند بایستی اعلام کنیم (کوشا: ۱۲).

۲-۵. استثنائات در حقوق عربی

۱-۲-۵. لبنان

الف. عدم تأثیر وظیفه رازداری بر معافیت مطلع از گزارش جرم؛

در ماده ۴۰۰ قانون جزای لبنان^{۱۱} به امتناع از اعلام جنحه یا جنایتی اشاره شده که نیاز به شکایت شاکی خصوصی ندارد. اما شخص مطلع، جنحه یا جنایت مزبور را به مقامات قضائی و اداری اطلاع نمی‌دهد، مجازات این بزه همان مجازات مقرر در ماده ۳۹۹ یعنی جزای نقدی است، اصولاً تفاوت مشهود بین این ماده با مواد قبل از آن نیست. در این ماده تارک فعل شخصی از افراد وزارت بهداشت حرفه‌ای است که در حین انجام وظایف حرفه‌ای از وقوع جنایت و جنحه‌ای مطلع می‌شود اما از آنجا که این افراد موظف به حفظ رازداری هستند قانون‌گذار در مقایسه با افراد دیگر مجازات خفیف‌تر جریمه نقدی برای آن‌ها در نظر گرفته است. از این ماده استفاده می‌شود که داشتن وظیفه رازداری، پزشک یا پرستار را از گزارش جرم معاف نمی‌سازد. به بیان دیگر داشتن وظیفه رازداری برخلاف حقوق آمریکا و فرانسه از استثنائات اعلام اجباری جرائم به شمار نمی‌آید.

دکترین حقوقی در تحلیل جرم افشای اسرار یکی از استثنائات قانونی وارد بر آن را مواد ۳۹۸ الی ۴۰۰ ذکر کرده می‌نویسند، اگرچه به موجب قانون بر طیب و واجب است اسراری که در حین انجام وظیفه به دست آورده، افشا نکند. لیکن در موارد مندرج در قانون ۱۹۹۴ پزشک ملزم به افشای سر نزد مقامات صالح است، مانند اعلام اطلاعات نزد قاضی جنایی و ابلاغ جرائم به دادستان که قانون ابلاغ آن‌ها را لازم دانسته است، مانند تجاوز به عفت و ابلاغ از جرائم به مقامات عمومی (عبدالعزیز شافی، ۲۰۰۵: ۶).

ب. عدم تأثیر خویشاوندی مطلع با مرتکب در تحقق جرم؛

برخلاف قانون اردن که در ماده ۲۰۶ به صراحت مجازات را از والدین و همسران و خواهران و مباشران جرم در عدم گزارش معاف دانسته است.^{۱۲} قانون‌گذار لبنانی در صورتی هم که مرتکبان جرم اعم از مباشران یا معاونان، والدین فرد مطلع در یک خط مستقیم یا همسران آن‌ها و نیز برادران، خواهران یا همسران آن‌ها باشند، گزارش و اعلام جرم را اجباری می‌داند. این بدان علت است که در نگاه مقنن اجرای عدالت بر کدورت و دلخوری خانوادگی ارجحیت دارد. این رویکرد

۱۱. ماده ۴۰۰ قانون مجازات لبنان «من قام حال مزاولته احدی المهن الصحیة باسعاف شخص یدونه وقعت علیه جنایة او جنحة تجوز ملاحقتها دون شکوی ولم ینبئ السلطة بها عوقب بالغرامة المنصوص علیها فی المادة السابقة».

۱۲. بند ۲ ماده ۲۰۶ مقرر می‌دارد: «لا یسرى حکم هذه المادة علی زوج آی شخص لهید فی تلك المؤامرة ولا علی آی من أصوله او فروعیه».

مشابه با سیاستی است که قانون‌گذار ما در جرائم علیه عدالت قضایی اتخاذ کرده است.

۵-۲-۲. استثنائات در حقوق سوریه

الف. تعهدات رازداری و امتناع مرتکب؛

از ماده ۳۹۰ قانون مجازات سوریه، استنباط می‌گردد هرچند رازداری و حفظ اسرار بیمار از تعهدات قراردادی و عرفی پزشک و کارکنان بهداشتی به شمار می‌رود. ولی آن‌ها نمی‌توانند، به این وظیفه برای رفع مسئولیت کیفری خود در عدم گزارش جرم مطلع شده استناد قرار کنند. در این ماده تارک فعل شخصی از افراد وزارت بهداشت حرفه‌ای است که در حین انجام وظایف حرفه‌ای از وقوع جنایت و جنحه‌ای مطلع می‌شود. اما به مقامات اعلام نمی‌کند که در این صورت مستوجب جزای نقدی تا ۲ هزار لیر خواهد بود. باین حال برخلاف حالت عادی، از آنجاکه این افراد موظف به حفظ رازداری هستند، قانون‌گذار در مقایسه با افراد دیگر مجازات خفیف‌تر جریمه نقدی برای آن‌ها در نظر گرفته است.

ماده ۳۹۰ در این خصوص مقرر می‌دارد: «هرکس در حین انجام یکی از حرفه‌های بهداشتی به شخصی که به نظر می‌رسد متهم به جنایت یا جنحه‌ای که بدون شکایت قابل تعقیب است، کمک‌های اولیه ارائه کند و مراتب را به مرجع قضایی مربوطه اطلاع ندهد به مجازات جریمه مندرج در ماده قبل محکوم می‌شود.»^{۱۳} با آنکه ماده مزبور ناظر به فقدان معافیت وظیفه رازداری در حوزه بهداشت می‌باشد، لکن با وحدت ملاک از آن می‌توان قائل به برتری الزام به گزارش جرم بر وظیفه رازداری در سایر موارد مانند رابطه روحانی و مراجعه‌کننده، وکیل و موکل و... شد. مضافاً اینکه ماده جرم‌انگاری عدم گزارش جرم بر کلیه کسانی که تعهد به رازداری و محرمانگی روابط هستند یا فاقد این الزام می‌باشند اطلاق دارد و در قوانین مقررهای برای تخصیص حکم عام به چشم نمی‌خورد.

ب. تاثیر و عدم خویشاوندی بر جرم بی‌تفاوتی شهروندان؛

قانون‌گذار سوری رابطه خویشاوندی را در نظر نگرفته و احدی را به‌هیچ‌عنوان از مجازات مستثنا نکرده است، مرتکب کتمان جرائم، از تکلیف قانونی که بر او تحمیل شده است، معاف نیست. هرچند از اولاد یا والدین شخصی باشد که در این جنایت مشارکت داشته یا مرتکب جرم شده است. بنابراین، رویکرد قانون‌گذار سوریه با برخی از نظام‌های دیگر، مانند قانون مصر تفاوت دارد، زیرا قانون مصر بر رابطه خویشاوندی تکیه می‌کرد تا به مرتکب عذری معافیت از مجازات بدهد. قانون‌گذار سوری به دلیل جدی بودن این جنایات که امنیت کل کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نه یک فرد خاص، پیوند زناشویی یا خویشاوندی را به‌طورکلی منافع خصوصی جز مستثیات در نظر نگرفت، زیرا کتمان موضوعی با این اهمیت

۱۳. بند ۳ ماده ۳۹۹ «اما من قام حال مزاولته إحدى المهن الصحية، یاسعاف شخص یدوانه وقعت علیه جنایة أو جنحة تجوز ملاحقتها دون شکوی، ولم ینبئ عنها، عوقب بالغرامة المنصوص عنها فی المادة السابقة.»

امکان دارد موجودیت کشور و موجودیت دولت را در معرض فروپاشی قرار دهد (تونسی، ۲۰۲۴: ۱۲).

۶. مجازات بی‌تفاوتی شهروندان به اعلام جرم

کتمان جرائم در نظام کیفری کشورهای عربی مستوجب کیفری متعددی از حبس و جزای نقدی می‌باشد و در بحث قبلی به این کیفرها پرداخته شد، در اینجا از تکرار آن می‌گذریم و به چند نکته بسنده می‌کنیم. کیفر عدم جرم در همه نظام‌های عربی بسته به نوع جرم کتمان شده و شرایط مرتکب درجه آن پیدا می‌کند و هرچه جرم اعلام شده شدیدتر باشد، عدم اعلام آن با مجازات شدیدتری پاسخ داده می‌شود. در نظام حقوقی سوریه حداکثر مجازات سه سال و حداقل آن سه ماه می‌باشد و در مواردی که فرد دارای وظیفه رازداری و متعهد به حفظ محرمانگی در رابطه است. سیاست قانون‌گذار توسل به مجازات خفیف‌تر جزای نقدی (۲۰۰۰ لیر) می‌باشد. زیرا انگیزه حفظ اسرار بیماران، اغلب در گزارش نکردن جرم تأثیر دارد که نشان می‌دهد درجه حالت خطرناک در مرتکب ضعیف‌تر است و در نتیجه مستحق تخفیف می‌باشند. در حقوق ما نیز به علت تعدد مصادیق، جرم خودداری از جرائم مجازات یکسانی ندارد، بلکه بسته به شدت و اهمیت جرائم و موقعیت مقام موظف میزان مجازات آن متغیر می‌باشد. جرم خودداری از اعلام جرائم از نوع جرائم تعزیری بوده و مقنن اغلب برای آن کیفر حبس (حداکثر درجه ۵) و جزای نقدی و انفصال از خدمت و محرومیت از حقوق اجتماعی پیش‌بینی کرده است.

در حقوق جزای لبنان واکنش کیفری به خودداری از اعلام جرائم از انسجام مناسبی برخوردار است و قانون‌گذار با عنایت به نوع جرائم برای همه افراد (عادی و مقامات موظف به کشف جرم و سایر مقامات و مسئولین دولتی) دو نوع مجازات پیش‌بینی کرده است که قاضی بایستی به هر دو حکم دهد. بر اساس ماده ۳۹۸ مجازات جرم خودداری از اعلام جرائم حبس از یک تا سه سال و محرومیت از حقوق اجتماعی است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در هر دو نظام حقوقی شدت مجازات‌ها تقریباً مشابه یکدیگرند و حبس در هر دو نظام حقوقی حداکثر درجه ۵ می‌باشد.

ضابطین دادگستری مکلف هستند در صورت اطلاع از وقوع جرم به‌خصوص جرائم مشهود و با جمع‌آوری دلایل مراتب را به مقام قضائی گزارش نمایند، استتکاف ضابطین دادگستری از دستورات مقامات قضائی طبق ماده ۱۶ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری جرم محسوب و برای مرتکب یا مرتکبین آن سه ماه تا یکسال انفصال از خدمت دولتی و یا یک تا شش ماه حبس بعنوان مجازات پیش‌بینی شده است. اما در خصوص استتکاف افراد از اعلام جرم اگر این وظیفه نشئت گرفته از اخلاق، مذهب یا وظیفه اجتماعی باشد، هیچگونه ضمانت اجرای قانونی پیش‌بینی نشده است. لکن در مواردیکه اعلام جرم یک وظیفه قانونی باشد (عمدتاً چنین وظیفه‌ای متوجه مأمورین و مسئولین دولتی و عمومی است)، عدول از آن تخلف اداری محسوب و به استناد بندهای ۱۴ و ۱۵ ماده ۸ قانون رسیدگی

به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ تحت تعقیب قرار می‌گیرد. در بعضی موارد نیز قانون‌گذار به لحاظ اهمیت و ویژگی خاص بعضی از جرائم ارتكابی مأمورین و مستخدمین دولتی و همچنین مسئولیت رؤسا یا مدیران یا مسئولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی، استتکاف آن‌ها از اعلام جرم به مراجع قضائی (حتی به مراجع ذیصلاح اداری) را جرم دانسته و برای مرتکبین آن حبس از شش ماه تا دو سال و انفصال موقت از ۶ ماه تا دو سال پیش‌بینی کرده است (ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی).

در قانون دیوان محاسبات برای جلوگیری از عدول و استتکاف مسئولین ذی‌مدخل در اعلام جرائم عمومی به مراجع ذیصلاح قضائی هیچگونه تضمینی به‌نحو خاص پیش‌بینی نشده است، لکن با استفاده از عموماً قانون رسیدگی به تخلفات اداری به‌خصوص بندهای ۱۴ و ۱۵ ماده ۸ قانون مزبور و لفظ تکلیف مقرر در ماده ۲۵ قانون دیوان محاسبات کشور می‌توان استتکاف از اعلام جرم به مراجع قضائی از سوی دیوان محاسبات را یک تخلف اداری تلقی کرد (نوروزی ۱۳۸۳: ۸).

نتیجه‌گیری

از منظر نهاد امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با جرم به مفهوم منکر، وظیفه دینی و اخلاقی هر فرد مسلمانی است که بدان بسیار توصیه شده است. یکی از جلوه‌های این تکلیف الزام افراد به اعلام جرم همانند وجوب ادعای شهادت با شرایط خاص است. نتیجه طبیعی این‌که کتمان وقوف و اطلاع افراد بر ارتكاب عمل حرام غیر منافی عفت، به اجماع امت از گناهان کبیره است و می‌توان افراد را به انجام واجبات و ترک محرمات الزام کرد، این است که الزام افراد به اعلام جرم و ادای گواهی در موارد لزوم، مشروع است. از سوی دیگر مصلحت اجتماعی (سیاست پیش‌رانه و کمک به اجرای عدالت) و سیاست جنایی مبتنی بر مشارکت عمومی به مقنن اجازه می‌دهد در شرایط خاصی اعلام وقوع جرم را الزامی کند، مشروط بر اینکه الزام همراه با ضرر و حرجی برای افراد نباشد.

در قانون مجازات اسلامی ماده‌قانونی که کتمان جرائم از طرف مقامات یا افراد عادی جرم را بدانند وجود ندارد باین‌حال در قوانین خاص می‌توان مواردی را یافت که مقنن امتناع از اعلام جرم را جرم می‌داند. طبق قوانین ایران، صرف اطلاع ندادن وقوع جرم به مراجع ذیصلاح از سوی اشخاص عادی جرم محسوب نمی‌شود، مگر اینکه این اطلاع ندادن به همراه یک اقدام مادی و مثبت و برای جلوگیری از اجرای عدالت باشد، ولی در قانون لبنان ماد ۳۸۸ قانون مجازات آن کشور، با به‌کاربردن واژه هرکسی افراد عادی و رسمی را توأمأً مدنظر داشته است. تفاوت دیگر اینکه در حقوق اردن، مصر و فلسطین مصونیت خانوادگی و داشتن وظیفه رازداری سبب معافیت مرتکب از کیفری قانونی می‌گردد اما در قانون ما همانند سوریه و لبنان نسبت خویشاوندی با مرتکب جرم گزارش نشده تنها می‌تواند یکی از کیفیات مخففه تلقی شود.

در هر دو نظام حقوقی کتمان جرائم از نوع جرائم ترک فعلی و مستمری است که مرتکب آن با داشتن توانایی اعلام جرم، عمداً از گزارش‌شان استنکاف می‌ورزد. مضافاً عدم اعلام کلیه جرائم در قانون جزایی جرم شناخته نشده بلکه قانون‌گذار اعلام نکردن برخی از جرائم مهم را که به صورت حصری در مواد قانونی پیش بینی کرده جرم می‌شناسد. به عبارت دیگر از حیث موضوع، جرم خودداری از جرائم جنبه عمومی ندارد.

در مقایسه با کشور ما مجازات‌ها در نظام عربی بسته به نوع جرم متغیر و شدت بیشتری دارد که در مواردی به ۳ سال حبس افزایش می‌یابد که نسبتاً شدید (درجه ۵) محسوب می‌شود. برخلاف ایران، طرفین رابطه محرمانه مانند وکیل و موکل و روحانی و توبه‌کننده و مصونیت خانوادگی در برخی از کشورهای عربی چون مصر و اردن از مجازات مستثنا شده‌اند. اما رویکرد نظام کیفری لبنان و سوریه در خصوص عدم تأثیر رابطه خویشاوندی و تعهد رازداری بر معافیت از مجازات، مشابه حقوق ایران می‌باشد، سایر نتایج را می‌توان به شرح ذیل برشمرد.

۱. سیاست جنایی لبنان و سوریه در تکلیف شهروندان به گزارش نسبت به حقوق ما منسجم‌تر است و قلمرو جرائم موضوع گزارش اجباری وسیع‌تر است.

۲. عنصر مادی جرم کتمان جنایت همانند حقوق ما ترک فعل می‌باشد و در هر سه، اعلام نکردن جرم احتمالی در آینده مانند شروع به جرم، جرم تلقی نمی‌شود. در هر سه نظام حقوقی ایران و لبنان و سوریه وجود سوءنیت عام شرط تحقق جرم است و نیازی به سوءنیت خاص نیست. برخلاف حقوق ایران در قانون‌گذار سوریه و لبنان، در برخی از موارد، تقصیر جزایی را به‌عنوان عنصر معنوی جرم کتمان جرائم پذیرفته است، این ناظر به جایی است که مأمور تحقیق به‌رغم اطلاع از وقوع جرم، با تفریط و سهل‌انگاری جرم را با تأخیر گزارش می‌نماید.

۳. الزام به گزارش جرم در حقوق ما اختصاص به مقامات و افراد خاص دارد، اما در حقوق لبنان و سوریه تکلیف همگانی است. از سوی برخی از مصادیق بی‌تفاوتی نظیر تأخیر در گزارش جرم که توسط مأموران تعقیب و تحقیق اتفاق می‌افتاد، در حقوق ایران جرم‌انگاری نشده است.

۴. برخلاف ایران، سیاست کیفری لبنان و سوریه سرکوبگرانه‌تر است و مجازات‌ها شدت و تنوع بیشتری دارد. پیشنهادها: به‌طورکلی اهمیت و تأثیر جرائم علیه عدالت قضایی در دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند، قانون‌گذار ایرانی نیز همانند قانون اردن و لبنان بخشی مستقل از قوانین جزایی را تحت عنوان جرائم علیه عدالت قضایی در مرحله تحقیق و صدور حکم و اجرا، به این امر اختصاص دهد و ضمن این که شایسته است مقنن به جرم‌انگاری کلیه افعال و ترک افعالی که حتی کوچک‌ترین خدشه‌ای را به اجرای عدالت و تزییع حقوق مردم وارد می‌سازند (از جمله امتناع از اعلام جنایت، جرم، خودداری از اعلام جرم توسط افراد عادی، توسعه اجبار به گزارش به افراد عادی و...) بپردازد.

فهرست منابع

- اردبیلی، أحمد (مقدس الابدیلی) (۱۴۲۱ ق). مجمع الفائدة و البرهان، قم: النشر الإسلامی، الطبعة الثالثة.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰). حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: میزان.
- توجهی، عبدالعلی؛ صبوحی، رحمان (۱۳۹۳). «سیاست جنایی بزه‌پوشی در حدود با تأکید بر جرائم منافی عفت»، ماهنامه دادرسی، شماره ۱۰۸.
- جنیدی، عبد الملک (۱۹۳۲). الموسوعة الجنائية، الطبعة الثانية، بیروت: دار العلم للجميع.
- حرانی، حسن بن علی (۱۳۷۶). تحف العقول، تهران: مکتبه الصدوق.
- حسن، جوخدار (۱۹۸۶). أصول المحاکمات الجزائية، جامعة دمشق.
- الحصری، احمد (۱۴۱۳ ق). السیاسة الجزایی، ج ۲، بیروت: دار الجیل.
- حلی، أبو القاسم نجم الدین (محقق حلی) (۱۴۲۱). شرائع الاسلام، تهران: انتشارات استقلال، الطبعة الخامسة.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ ق). قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الاولى.
- خالقی، علی (۱۴۰۱). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران: شهر دانش.
- خویی، سید ابو القاسم (۱۴۲۲ ق). مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخویی.
- رغید، توتنجی (۱۹۹۵). الجرائم المخلة بالإدارة القضائية فی قانون العقوبات السوري، دمشق: الطبعة الأولى.
- رمسيس، بهنام (۱۹۸۲). القسم الخاص فی قانون العقوبات، الإسكندرية: منشأة المعارف.
- سادات اسدی (۱۳۸۴). «بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی ایران و اردن»، ندای صادق، شماره ۳۷ و ۳۸.
- ساریخانی، عادل؛ موسوی، سید حیدرشاه (۱۴۰۰ ش). «موانع ثبوتی عدالت قضایی در اسلام، حقوق کیفری افغانستان و فرانسه»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۹، شماره ۱.
- ساکت، محمدحسین (۱۳۸۲). در حقوق اسلامی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- ساوالانی، اسماعیل (۱۳۹۹). قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۴ (آرای وحدت رویه و نظریات مشورتی اداره کل حقوقی)، تهران: دادآفرین.
- شهید اول (۱۳۹۹). القواعد والفوائد: فی الفقه والاصول والعربية، نجف.
- طارمی، محمد حسین (۱۳۸۸). «عدالت قضایی و جرائم پیرامونی»، هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۶۳، مهر ماه.
- عبد الوهاب بدره (۱۹۹۰). جرائم التزوير فی التشريع السوري، دمشق: المطبعة الجديدة.

- عبد الوهاب، حومد (۱۹۸۷). أصول المحاكمات الجزائية، الطبعة الرابعة، دمشق: المطبعة الجديدة.
- عبد، مزهر جعفر (۱۹۹۹). جريمة الامتناع دراسه المقارنة، عمان: دار الثقافة للنشر والتوزيع.
- فريد، الزغبى (۱۹۹۵). الموسوعة الجزائية، المجلد الخامس عشر، الطبعة الثالثة، بيروت: دار صادر.
- قماشى، سعيد (۱۳۸۵). «برسى جرم افشای اسرار حرفه‌ای»، ماهنامه دادرسی، شماره ۵۸.
- كوشا، جعفر (۱۳۸۱). جرائم عليه عدالت قضايی، تهران: میزان.
- كوشا، جعفر (۱۳۸۹). «اخلال در عدالت از جرائم عليه امنيت عمومى است»، گفتگو با ماهنامه قضاوت، شماره ۶۵.
- گلدوزيان، ایرج (۱۳۹۲). بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: میزان، چاپ نوزدهم.
- لتونسی، مصفى أحمد (بی‌تا). جرائم المخله باده القضايه، الوكالة العربية السورية لألنباء (سانا): صدور المجلد الأول من «موسوعة العلوم والتقنيات»، رقم الصفحة ضمن المجلد: ۳۷۴.
- محمود زكى شمس (۲۰۰۴). الموسوعة العربية، الطبعة الثانية، دمشق: مطبعة الداوودى.
- محمود زكى شمس (۲۰۰۶). التحقيق والاعتراف، الطبعة الثانية، دمشق: مطبعة الداوودى.
- محمود، محمود مصطفی (۱۹۸۴). شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، الطبعة الثامنة، القاهرة.
- مير محمد صادقى، حسين (۱۳۹۳). جرائم عليه اموال و مالکيت، تهران: نشر میزان.
- مير محمد صادقى، حسين (۱۴۰۰). جرائم عليه امنيت و آسایش عمومى، تهران: نشر میزان.
- نادر، عبدالغزیز شافى (۲۰۰۵). جريمة إفشاء الأسرار عناصرها وعقوبتها، مجله الجيش، شماره ۲۳۸، نيسان، قابل دسترس در منبع.
- نجفى، محمد حسن (۱۳۷۴). جواهر الكلام، ج ۱، تهران: دارالکتب الإسلاميه، الطبعة الرابعة.
- نورزى، پیمان (۱۳۸۳). «تحليل ماده ۲۵ قانون ديوان محاسبات کشور»، دانش حسابرسى، سال چهارم، شماره ۱۴.